

The role of rivalry between Ziadoghli and Bagratoni families in the beginning of Iran-Russia wars

Received: 02/04/2024

Accepted: 29/05/2024

Article type: Research Article

PP: 33-58

DOI:

10.22034/hir.2024.1276614.1268

Javad Javid

Senior expert in the history of Central Asian and Caucasian studies, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. Email: javad.javid.4030@gmail.com

Sajad Hoseini

Associate Professor of History, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran, (corresponding author) Email: s.hoseini@uma.ac.ir

Jafar Aghazadeh

Associate Professor of History, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran, e-mail. Email: j.agazadeh@uma.ac.ir

Abstract

The Ziadoghli dynasty ruled the Ganja khanate and the Bagratoni dynasty ruled the governorship of Georgia and were considered prominent rival powers in the South Caucasus. After the death of Nadershah Afshar, the rivalry of these two local governments appeared in the form of territorial disputes and reached its peak with the tendency of the Georgians to the Russians and the Ziadoghli to the Qajar government. The present study aims to investigate the competition of two local families, Ziya Oghli and Bagratoni, in the South Caucasus after the death of Nader Shah, using a descriptive-analytical method, and investigate the role of this competition as one of the reasons for the occupation of the lands of the Khanate of Ganja of Tsarist Russia. The findings show that at the end of the 18th century and the beginning of the 19th century, the two powers of Qajar Iran and Tsarist Russia were looking for part of their interests in the South Caucasus. Thus, under the pretext of the Treaty of Georgievsk and the support of the Bagratoni family and the Qajars, the Russians set out for the Caucasus with the aim of restoring the borders of the Safavian government, suppressing the local centripetal powers and supporting the Ziyaoghli dynasty. Each time, with the support of one of these two extra-local powers, the balance of power between the two local governments of Ziyad Oghli and Bagratoni was upset, and the fate of the lands under their control changed one after another, and finally, this conflict and competition ended with the occupation of Ganja by the Russians.

Keywords: Ziadoghli, Bagratoni, Ganja, Georgia, Qajar, Tsar Russia.

Citation (APA): Javid, Javad, Hoseini, Sajad, & Aghazadeh, Jafar (2024). **The role of rivalry between Ziadoghli and Bagratoni families in the beginning of Iran-Russia wars.** *Quarterly of Police Historical Studies*. 11(40). 33-58. Doi: 10.22034/hir.2024.1276614.1268

نقش رقابت خاندان‌های زیاداوغلی و باگراتونی در آغاز

جنگ‌های ایران و روس

چکیده

خاندان زیاداوغلی با حکومت بر خان‌نشین گنجه و خاندان باگراتونی با حکمرانی بر والی‌گری گرجستان، از قدرت‌های برجسته رقیب در قفقاز جنوبی به‌شمار می‌آمدند. رقابت‌های این دو حکومت محلی بعد از مرگ نادرشاه افشار، در قالب اختلافات ارضی نمایان شد و با گرایش گرجی‌ها به روس‌ها و زیاداوغلی‌ها به حکومت قاجار به اوج خود رسید. پژوهش حاضر در نظر دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی رقابت دو خاندان محلی زیاداوغلی و باگراتونی در قفقاز جنوبی پس از مرگ نادرشاه بپردازد و نقش این رقابت را به‌عنوان یکی از علل استیلای روسیه تزاری بر اراضی خان‌نشین گنجه موردبررسی قرار دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هم‌زمان با اواخر قرن ۱۸ م و اوایل قرن ۱۹ م، دو قدرت ایران قاجار و روسیه تزاری، بخشی از منافع خود را در قفقاز جنوبی جستجو می‌کردند. بدین ترتیب روس‌ها به بهانه معاهده گئورگی‌وسک و حمایت از خاندان باگراتونی و قاجارها با هدف احیای مرزهای حکومت صفوی، سرکوب قدرت‌های مرکزگرای محلی و حمایت دودمان زیاداوغلی، عازم قفقاز شدند. هر بار با حمایت یکی از این دو قدرت فرامحلی، توازن قوا مابین دو حکومت محلی زیاداوغلی و باگراتونی بر هم زده شد و سرنوشت اراضی تحت اختیارشان پی‌درپی متحول گشت و درنهایت با تصرف گنجه توسط روس‌ها، این تصادم و رقابت به پایان رسید.

کلیدواژه‌ها: زیاداوغلی، باگراتونی، گنجه، گرجستان، قاجار، روسیه تزاری.

استناد (APA): جاوید، جواد، حسینی، سجاد، و آقازاده، جعفر (۱۴۰۳). نقش

رقابت خاندان‌های زیاداوغلی و باگراتونی در آغاز جنگ‌های ایران و

روس. فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی. ۱۱ (۴۰). ۳۳-۵۸.

Doi: 10.22034/hir.2024.1276614.1268

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۳۳-۵۸

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/hir.2024.1276614.1268

جواد جاوید

کارشناس ارشد تاریخ مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. پست الکترونیک: javad.javid.4030@gmail.com

سجاد حسینی

دانشیار تاریخ دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: s.hoseini@uma.ac.ir

جعفر آقازاده

دانشیار تاریخ دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. پست الکترونیک: j.agazadeh@uma.ac.ir

۱. مقدمه

قتل نادرشاه افشار و منازعه کسب قدرت بین بازماندگانش، باعث ناآرامی‌ها و آشوب‌های سراسری در قلمرو حکومتی وی شد. امرای نظامی و سران قبایل و ایلات حوزه آذربایجان و قفقاز جنوبی، از وضعیت پیش‌آمده بهره برده و به پشتوانه قدرت نظامی ایلی، حاکمیت خود را بر بخش‌هایی از این منطقه تسری دادند. خان‌نشین گنجه، با حکمرانی خاندان زیاداوغلی قاجار و والی‌گری گرجستان، با حکومت خاندان باگراتونی، از جمله این قدرت‌ها بودند که پیشینه حکومت محلی وابسته به حکومت مرکزی ایران را داشتند و این بار در فقدان قدرت فراگیر، دم از استقلال زدند. در چنین وضعیتی رهبران هر دو خاندان به فکر گسترش قلمرو سرزمینی خود افتادند و در گام نخست، چشم طمع به اراضی تحت حاکمیت همدیگر دوختند.

هم‌زمان با اواخر قرن ۱۸ م و اوایل قرن ۱۹ م روسیه تزاری و ایران قاجار، وارد این عرصه جغرافیایی شدند. حکومت تزار با تحت‌الحمایه ساختن گرجیان بر اساس معاهده گئورگی‌وسک و استقرار در تفلیس جای پای خود در قفقاز جنوبی باز کرد و در پی آن نیروهای روس در تفلیس مستقر گشتند. آقا محمدخان قاجار نیز با لشکرکشی به قفقاز جنوبی، در پی تحقق احیای قلمرو حکومت صفوی برآمد و به‌دلیل ریشه مشترک ایلی به زیاداوغلی‌های قاجار نزدیک شد. آقا محمدخان بعد از ناکامی در تصرف قلعه شوشی (پناه‌آباد)، مرکز خان‌نشین قراباغ، به درخواست جوادخان گنجه‌ای، خان زیاداوغلی گنجه، به تفلیس لشکر کشید و ضربه سهمناکی بر پیکره دودمان باگراتونی وارد ساخت. سیسیانوف، سردار گرجی تبار دولت تزاری، با لشکرکشی به گنجه و تصرف آن؛ جوادخان گنجه‌ای را کشت و مردم شهر را قتل‌عام کرد.

پژوهش حاضر در نظر دارد با به‌کارگیری منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و به شیوه توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال برآید که رقابت خاندان‌های زیاداوغلی و باگراتونی چه تأثیری بر روند استیلای روسیه تزاری بر قلعه-شهر گنجه و سقوط خان‌نشین گنجه داشت؟ در پاسخ به این سؤال چنین مفروض

است که دولت روسیه تزاری ابتدا به بهانه حمایت از گرجیان به انعقاد معاهده تحت‌الحمایگی گئورگی‌وسک پرداخت و درنهایت با لشکرکشی به تفلیس نیروهای خود را در مرکز گرجستان مستقر ساخت و بدین ترتیب با بهره‌گیری از اختلافات خاندان‌های حکومتگر زیاداوغلی و باگراتونی، گرجیان را نیز با خود همراه کرد و به یاری این نیروهای محلی توانست بر قلعه-شهر گنجه تسلط یابد.

نویسندگان این پژوهش بیشتر از منابع و مآخذ ایرانی و آذربایجانی بهره جسته‌اند و مجموعه اسناد آکاک تنها منبع روسی-گرجی مورد مطالعه قرار گرفته در مقاله حاضر است و دیگر منابع روسی و گرجی به‌دلیل عدم دسترسی استفاده نشده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

اگرچه پژوهش‌های زیادی درباره جنگ‌های ایران و روسیه و تسلط روس‌ها بر گنجه انجام گرفته، اما نقش رقابت دو خاندان زیاداوغلی و باگراتونی در این منازعه، مورد غفلت قرار گرفته است. برای نمونه، علی پورصفر در کتاب *حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار* (۱۳۷۷)، به معرفی اجمالی حکومت‌های محلی پنج قرن اخیر قفقاز و از آن میان خان‌نشین گنجه و والی‌گری گرجستان پرداخته است. با این احوال موضوع به‌صورت گسترده و عمیق موردبررسی قرار نگرفته و نویسندگان در بخش‌های مربوط به حکومت محلی گنجه و گرجستان از منابع و مآخذ بسیار محدود استفاده کرده است. در بخش‌هایی از کتاب *تاریخ آذربایجان* (۱۹۹۹)، حوادث مربوط به استیلای دولت روسیه بر خانات محلی منطقه قفقاز جنوبی ازجمله خان‌نشین گنجه موردپژوهش قرار گرفته است. دراین‌بین مکاتبات جوادخان گنجه‌ای با سیسیانوف و همچنین چگونگی مقاومت گنجه و وضعیت این خان‌نشین در دوران پس از سقوط به‌دلیل بهره‌مندی نویسندگان این اثر از منابع و مآخذ تاریخ محلی منطقه قفقاز جنوبی و اسناد و مدارک آرشیوی روسیه از ارزش و

اعتبار بالایی برخوردار است. باوجوداین، پژوهش مذکور از فقدان منابع دست‌اول قاجاری رنج می‌برد.

موریل اتکین در کتاب *روابط ایران و روس (۱۳۸۲)*، در بررسی ریشه‌های جنگ اول ایران و روس به مسئله تسخیر گنجه توسط سیسیانوف اشاره کرده است. وی این حادثه را اولین اقدام روس‌ها پس از الحاق گرجستان به خاک روسیه تزاری در دست‌اندازی به حاکمیت‌های مسلمان پیرامون قلمداد کرده؛ اما به جایگاه اختلافات زیاداوغلی- باگراتونی در این مسئله نپرداخته است.

۳. تهاجم آقا محمدخان و تشدید اختلافات زیاداوغلی- باگراتونی

خان‌نشین گنجه، در اواخر سده دوازدهم هجری / هجدهم میلادی در نبود خان مقتدری که بر آن فرمان براند عملاً به حوزه نفوذ ابراهیم‌خان جوانشیر، خان قراباغ و اراکلی دوم والی گرجستان مبدل شد. مضافاً اینکه اختلاف بر سر جانشینی شاهوردی خان دوم زیاداوغلی نیز عامل دیگری برای تضعیف این خان‌نشین بود (Babayev, 2003: 32-33). در سال ۱۱۹۴ ه. ق. / ۱۷۸۰ م وضعیت خان‌نشین گنجه رو به وخامت گذاشت؛ حاکم گرجستان، اراکلی دوم که حاضر به گذشت از مالیات گنجه نبود با ابراهیم‌خان در نهان توطئه نموده، گنجه را تصرف کرد. امور داخلی این خان‌نشین از سوی نمایندگان گماشته ابراهیم‌خان و اراکلی رتق‌و‌فتق می‌شد (Mustafazade, 2010: 129). بدین‌گونه، در طی سه سال (۱۱۹۷-۱۱۹۴ ه. ق. / ۱۷۸۰-۱۷۸۳ م)، خان‌نشین گنجه تحت حاکمیت مشترک والی‌گری گرجستان و خان‌نشین قراباغ قرار گرفت. نماینده سیاسی حکومت گرجستان در گنجه، گئورگی کیخسرو و نماینده سیاسی خان‌نشین قراباغ هم حضرتقلی بیگ مارتکویی وزیر با تبار گرجی بود. لیکن این وضعیت زیاد طول نکشید و در اواخر سال ۱۱۹۸ ه. ق. / ۱۷۸۳ م. اهالی گنجه علیه حکمرانی مشترک قراباغ- گرجستان به رهبری حاجی بیگ شورش کردند (Akopyan, 2008: 47-48).

در سال ۱۱۹۹ ه. ق. / ۱۷۸۵ م. پس از کشته شدن محمدحسن‌خان در زندان قراباغ، رحیم‌خان پسر دیگر شاهوردی دوم، به‌دنبال مداخله گرجی‌ها به

مدت یک سال حاکم گنجه شد. بااین حال، گرجی‌ها او را عزل کرده و به جای او، برادرش جوادخان زیاداوغلی (۱۲۱۸-۱۲۰۰ ه. ق. / ۱۸۰۴-۱۷۸۶ م.) را بر حکمرانی گنجه گماشتند (Akopyan, 2008: 47-48). جوادخان زیاداوغلی، آخرین خان این خاندان بود که کوشید در راستای بازگرداندن اقتدار حکومت خانواده‌اش گام بردارد. در این راستا، او نخست در سال ۱۲۰۱ ه. ق. / ۱۷۸۷ م. از باج‌گزاری اراکلی دوم روی گردانی کرد (Babayev, 2003: 37) و در فقدان حکومت مرکزی مقتدر در ایران، برای مقابله با تجاوز و توسعه‌طلبی والی گرجستان به خوانین قدرتمند مسلمان چون فتحعلی خان قبه‌ای خان قبه روی آورد. در نتیجه این سیاست بود که در ابتدای سال ۱۲۰۳ ه. ق. / ۱۷۸۹ م. با حمایت فتحعلی خان قبه‌ای محال شمس‌الدین‌لو^۱ از والی گرجستان پس گرفته شد و مجدداً به اراضی خان‌نشین گنجه ضمیمه گشت (باکیخانوف، ۱۹۷۰: ۱۷۰).

حاکم گرجستان، اراکلی دوم و ابراهیم خان قراباغی برای مقابل با جاه‌طلبی های فتحعلی خان قبه‌ای که در سر سودای تسلط بر خان‌نشین گنجه را داشت، به همکاری نظامی مشترک دست زدند (Mustafazadə, 2010: 130). لیکن جوادخان پس از مرگ فتحعلی خان قبه‌ای به سال ۱۲۰۳ ه. ق. / ۱۷۸۹ م. با مشاهده قدرت‌یابی آقا محمدخان قاجار در ایران رو به دولت مرکزی جدید آورد. ازاین‌رو، در جریان لشکرکشی آقا محمدخان قاجار به منطقه قفقاز، او یکی از جدی‌ترین مشوقان خان قاجار در این زمینه بود (قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۸۱). همچنین می‌توان گفت این گرایش جوادخان به حکومت مرکزی جدید ایران یعنی دولت قاجار به سبب تبار مشترک بود.

والی گرجستان همیشه قصد داشت گنجه و ایروان را در قلمرو حکمرانی خویش ادغام نماید. این مشی سیاسی گرجی‌ها پس از پذیرش اقتدار روسیه تزاری تحت معاهده گئورگی‌وسک^۲ به سال ۱۱۹۷ ه. ق. / ۱۷۸۳ م. بدون توقف

۱. محال شمس‌الدین یا شمس‌الدین‌لو یکی از محالات بیگربگی قراباغ بود که بعد از دوران صفوی بعضاً در قالب سلطان‌نشین مستقلی اداره شد. این سلطان‌نشین در مجاورت خانات گنجه و ایروان و سلطان‌نشین قزاق قرار داشت (Məmmədova, 2019: 125).

۲. قرارداد گئورگی‌وسک (Georgievsk) در سال ۱۸۷۳ م. منعقد شد و بر اساس آن گرجستان تحت حمایت دولت روسیه تزاری شد. این پیچان روسیه را در موقعیتی قرار داد که دستاویزی برای توسعه قلمرو خود در مرزهای ایرانی قفقاز داشته باشد (مرشدلو، ۱۳۹۴: ۱۵).

ادامه داشت (Akopyan, 2008: 47-48). یکی از مفاد قرارداد گئورگی‌وسک که خوانین قفقاز و آذربایجان را به تشویش انداخت؛ ذکر نام اراکلی دوم با عنوان متاواری^۱ [حاکم] قزاق، بورچالی، شماخی، شیروان، پادشاه ایروان و گنجه بود؛ اما حاکم گرجی هیچ‌وقت دارای نفوذ و اقتدار در آن نواحی نبود (Qarayev, 2010: 55). از این‌رو، قلمرو خان‌نشین‌های گنجه و ایروان، مطابق مفاد قرارداد گئورگی‌وسک به‌عنوان بخشی از قلمرو گرجستان از سوی روس‌ها به رسمیت شناخته شد (Mustafazadeh, 2010: 143).

همچنین بر طبق بند دوم این عهدنامه، روس‌ها متعهد به حمایت از تمامی قلمرو گرجستان شدند. این نکته به این معنی بود که می‌بایست قلمرو پاشای آخسقه، گنجه و ایروان نیز به خاک گرجستان ضمیمه شود. بدین ترتیب، روس‌ها از ادعای گرجی‌ها بر این نواحی، خصوصاً گنجه حمایت کردند. همچنین در بحث گنجه، پوتمکین^۲ فرمانده نظامی روسی در قفقاز نه‌تنها از ادعای اراکلی دوم بر گنجه حمایت کرد؛ بلکه بر این باور بود که حاکم گرجی بایستی یک برتری در هر زمینه نسبت به ابراهیم‌خان جوانشیر داشته باشد. (Akopyan, 2008: 47-48).

بنابراین، به‌دنبال قرارداد گئورگی‌وسک تکاپوی زیادی برای تسخیر گنجه از سوی گرجیان روی داد. چنانکه، در اواخر سال ۱۲۰۱ ه. ق. / ۱۷۸۷ م. قوای مشترک گرجی و روسی به فرماندهی کلنل بورناشف^۳ به حوالی گنجه داخل شدند؛ اما به سبب بروز جنگ روسیه و عثمانی، سربازان روسی مجبور به بازگشت به خط قفقاز شدند (رافعی، ۱۳۸۵: ۶۷).

آقا محمدخان، پس از سرکوب مدعیان قدرت در نواحی مرکزی و برچیدن بساط حکومت زندیه، مصمم به بازسازی مرزهای تاریخی ایران به سبک و سیاق دوره حکومت صفویه شد. در آستانه عملیات نظامی نیروهای تحت اطاعت آقا محمدخان به سمت شمال غرب ایران، گنجه تحت حکومت جوادخان

1. Mtaveri

3. Potemkin

3. Bournashev

بود؛ که با مدعی محلی به نام نصیب‌بیگ شمس‌الدین‌لو سرکرده طوایف شمس‌الدین‌لو در رقابت بود (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۰۹-۱۱۵). آقا محمدخان، در ابتدا با ارسال نامه‌هایی، حکام محلی آذربایجان و قفقاز را به اطاعت از خویش دعوت کرد؛ اما درباره اطاعت یا عدم اطاعت از او میان خوانین آذربایجان و قفقاز اختلاف نظر وجود داشت. حکام قدرتمند قفقاز از قبیل خان قراباغ و والی گرجستان حاضر به از دست دادن نفوذ و حاکمیت خود در برابر خان قاجار نبودند (جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۲: ۱۵۰؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۱۶۳/۹؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). در مقابل حکمرانانی چون خوانین گنجه، شکی و باکو به خواسته آقا محمدخان پاسخ مثبت دادند (هدایت، ۱۳۸۰: ۲۷۱/۹).

اراکلی‌خان والی گرجستان و محمدخان حاکم ایروان و مصطفی‌خان حاکم طالش همگی با ابراهیم‌خان در مخالفت با آقا محمدخان با همدیگر متحد شدند (قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). ابراهیم خلیل خان، خان قراباغ که در این هنگام از قدرتمندترین خوانین قفقاز بود با شنیدن خبر ورود لشکر قاجار از حکام شیروان و شماخی و قبه و دربند یاری طلبید (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۱۶۳/۹). وجود آقا محمدخان در منطقه، برای جوادخان زیاده‌اولی فرصتی بود که می‌توانست خود را از دایره نفوذ استیلای قدرت‌های محلی چون خان قراباغ و والی‌گری گرجستان خارج سازد. در سال ۱۲۰۷ ه. ق. / ۱۷۹۳ م. آقا محمدخان، سلیمان خان قاجار را برای تمشیت امور ایالت آذربایجان و حذف این نوع حکومت‌های محلی به سمت ناحیه مذکور فرستاد (ساروی، ۱۳۷۱: ۱۹۱؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۳۴۰/۹). بعد از رسیدن او به آذربایجان محمدخان قاجار ایروانی حاکم ایروان و صادق خان شقاقی و نصیر خان شاهسون و کلبعلی‌خان نخجوانی و جوادخان گنجه‌ای و احمدخان مراغه‌ای تن به اطاعت و وفاداری از شاه جدید ایران دادند و جهت اعلان سرسپردگی، به خدمت سلیمان خان قاجار شتافتند (قاجار، ۱۳۸۹: ۶۰؛ لنجانی‌اصفهانی، ۱۳۹۱: ۷۲). آقا محمدخان، در فرامین ارسالی خود به خوانین و حکام منطقه، فرستادن گروگان را به رسم و نشانه اطاعت و تابعیت طلب نمود. برخی خوانین منطقه و از آن میان خان گنجه به سبب ترس از عاقبت خویش و یا حتی می‌توان گفت خوش خدمتی به خان قاجار

ناچار به اطاعت از اوامر شدند (میرزا رشید، ۱۳۴۵: ۲۶۰). همچنین شاه ایران مجازات حکام نافرمان ماورای ارس را به وقت دیگر محول نمود؛ زیرا در این برهه زمانی هنوز درگیری وی با بازماندگان خاندان زند در شیراز ادامه داشت (ساروی، ۱۳۷۱: ۱۹۶؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۳۳۳/۹؛ آقازاده، ۱۳۹۶: ۶۹-۸۰).

آقا محمدخان برخلاف سیاست کریم‌خان زند به اطاعت اسمی این حکام بسنده نکرد و در سال ۱۲۰۹ ه. ق. / ۱۷۹۵ م. برای اعاده اقتدار مجدد سیاسی ایران در نواحی ماورای ارس به عملیات نظامی دست زد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۲۸/۳؛ جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۲: ۱۰۵). برخی از خوانین قفقاز از جمله خان قراباغ و ایروان برای رهایی از تهاجم قوای قاجار به دولت عثمانی استمداد جستند (گوگچه، ۱۳۷۳: ۲۲۶).

در این مرحله از عملیات نظامی، آقا محمدخان در ابتدا به سراغ ابراهیم‌خان جوانشیر رفت و قلعه شوشی را به محاصره گرفت. محمدخان قاجار ایروانی و جوادخان گنجه‌ای همراه ملک مجلوم، ملک قلی و ملک اسمعیل از بزرگان طایفه ارامنه آذربایجان به حضور آقا محمدخان آمدند (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۷۰-۲۷۱؛ قاجار، ۱۳۸۹: ۷۰؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۸۱؛ رافی، ۱۳۸۵: ۹۰؛ Xəzani, 2006: 149).

آقا محمدخان قاجار، با طولانی شدن مدت زمان محاصره قلعه شوشی، جهت حمله به تفلیس آماده شد. منابع تاریخ‌نگاری قراباغ، مشوق تهاجم قوای ایران به تفلیس را جوادخان زیاداوغلی گنجه‌ای و ملک مجلوم ارمنی ذکر کرده‌اند (جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۲: ۱۰۶، ۱۰۷؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۸۱؛ رافی، ۱۳۸۵: ۸۹؛ Xəzani, 2006: 152).

دشمنی خان گنجه با والی گرجستان و خان قراباغ، به مداخلات آن دو در خان‌نشین گنجه و دریافت باج سالیانه مربوط می‌شد. از این رو وی قصد داشت با استفاده از حضور نظامی آقا محمدخان قاجار در منطقه برای همیشه از نفوذ و تسلط آنان خارج گردد (Mustafazadə, 2010: 129)؛ اما دشمنی ملک مجلوم با والی گرجستان به خیانت اراکلی دوم با خان قراباغ بازمی‌گشت. ملک مجلوم، دشمن ابراهیم‌خان قراباغی بود و به خاطر ترس از خان قراباغ ترک دیار کرده و

در حمایت والی گرجستان در تفلیس زندگی می‌کرد. لکن، خیانت اراکلی در تسلیم وی به خان قزاق باعث بروز خصومت با والی گرجستان شد. گرچه، ملک معلوم توانست با اطلاع به موقع از توطئه آن دو فرار کرده و به نزد جوادخان زیاداوغلی پناهنده شود. همین امر نیز در گرایش وی به آقا محمدخان قاجار و تشویق وی به تهاجم به تفلیس نقش داشت (رافی، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۰).

بدین گونه، آقا محمدخان قاجار، با دست کشیدن از محاصره قلعه شوشی، در سال ۱۲۰۹ ه. ق. / ۱۷۹۵ م. به تفلیس یورش برد و با شکست دادن والی گرجستان، تفلیس را تصرف و غارت نمود (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۳؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۴۹). لیکن، اقامت وی در این شهر دیری نپایید و او بدون آنکه پادگانی در تفلیس به جای بگذارد، به دشت مغان عقب نشست (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۴۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳ / ۴۳۳).

۴. جنگ‌های ایران و روس و اوج اختلافات زیاداوغلی - باگراتونی

با عقب‌نشینی قوای قاجاریه از منطقه قفقاز معادلات سیاسی منطقه دوباره دستخوش تغییر شد. کاترین دوم امپراتریس روسیه تزاری، باهدف اعاده حیثیت حکومت خود در قفقاز و سرنگون کردن آقا محمدخان قاجار و بر تخت نشاندن مرتضی‌قلی خان برادر ناتنی او، با بهانه کمک به گرجستان و دفاع از اتباع روس مقیم تفلیس مجدداً شروع به مداخله در قفقاز جنوبی کرد (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۳۰۷-۷۳۰۸؛ قاجار، ۱۳۸۹: ۷۸؛ فنسلا، ۱۳۹۵: ۵۱-۵۰؛ ساروی، ۱۳۷۱: ۲۹۰)؛ بنابراین، در سال ۱۲۱۰ ه. ق. / ۱۷۹۶ م. ژنرال والرین زوبف^۱ معروف به «قزل ایاغ» در رأس قوای روسی برای اشغال منطقه قفقاز جنوبی اعزام شد (قزباغی، ۱۳۹۰: ۱۸۵؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۴۰۰-۷۴۰۱). زوبف در گزارش خود در آستانه لشکرکشی به قفقاز جنوبی، از جوادخان زیاداوغلی با عنوان خانی یاد کرد که نه تنها تابع روسیه نیست، بلکه آشکارا هوادار آقا محمدخان است (مرشدلو، ۱۳۹۱: ۱).

1. Valerian Zubov

خان گنجه وقتی با قدرت نظامی برتر روس‌ها مواجه شد، به تأسی خان قراباغ و به پیشنهاد ملک آبو^۱ به اطاعت از دولت روسیه درآمد (جوانشیر قره باغی، ۱۳۸۲: ۱۰۸؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۸۶؛ رافی، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۶). جوادخان زیاداوغلی همواره برای حفظ حیات سیاسی خویش در برابر تعرض قدرت‌های سلطه‌گر، از قدرت‌های برتر پیرامونی پیروی می‌نمود تا با اعلام وفاداری و اطاعت از خطر اضمحلال حکمرانی خود پیشگیری نماید. لهذا، با مشاهده قدرت برتر و تغییر موازنه قوای منطقه درصدد ارتباط با روس‌ها برآمد (عزیزنژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۹). بالاین‌حال، خان‌های قفقاز پس از دوره‌ای کوتاه چشیدن طعم استقلالی نیم‌بند از اوایل قرن سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی، اندک‌اندک در موقعیتی قرار گرفتند که باید میان دو قطب اقتدار فرادست شمال (روسیه تزاری) و جنوب (ایران قاجاریه) که سایه استیلای آنها بر حوزه قلمروی‌شان هر روز سنگین‌تر می‌شد، تصمیم می‌گرفتند. هیچ‌یک از این حکومت‌های محلی در دوره پنجاه‌ساله‌ای که از فروپاشی دولت نادرشاه تا ظهور دولت قاجار به درازا کشید، به آن اندازه از استحکام و انسجام درونی دست نیافتند که اکنون توان مقاومت در برابر این تهدیدها را داشته باشند (مرشدلو، ۱۳۹۱: ۳).

در خلال تهاجم زوبف به منطقه قفقاز امپراتریس روسیه، کاترین دوم درگذشت. این حادثه، باعث ناتمام ماندن عملیات نظامی قوای روسیه در حوزه قفقاز گردید. با اینکه زوبف در تدارک انجام بقیه مأموریت محوله بود، از سوی تزار جدید روس‌ها، پل اول دستور یافت که به روسیه مراجعت کند. پس در بهار سال ۱۲۱۱ ه. ق. / ۱۷۹۷ م. قوای روسی نواحی ماوراء قفقاز را ترک کرد (هدایت، ۱۳۸۰: ۹/ ۷۳۰۹؛ جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۲: ۳۸).

با عقب‌نشینی روس‌ها و غیبت آقا محمدخان از منطقه، منازعات خان‌نشین‌ها دوباره آغاز شد؛ اراکلی دوم که ویرانی تفلیس را نتیجه توطئه ملک مجلوم و جوادخان می‌دانست و ابراهیم‌خان که محاصره قلعه شوشی را از

۱. ملک آبو سوم بیگلریان فرزند ملک یوسف که بعد از برادرش ملک بیگلر حکومت ملک نشین گلستان قراباغ را در دست گرفت (رافی، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۴).

چشم آن دو تن می‌دید، با اتحاد همدیگر تصمیم به نابودی آن دو گرفتند (رافعی، ۱۳۸۵: ۹۷؛ Xəzani, 2006: 154؛ Mirzə Adıgözəl bəy, 1989: 55).

پس از خروج زوبف در ۱۲۱۰ ه. ق. / ۱۷۹۶ م. از حوزه قفقاز، قوای مشترک خان قراباغ و والی گرجستان قلعه گنجه را به محاصره گرفتند. به سبب استحکامات قوی قلعه گنجه، شهر به مدت بیش از چهار ماه تحت محاصره آن دو قرار گرفت. آن دو برای تسلیم واداشتن خان گنجه، روستاهای اطراف را غارت کردند. در نتیجه طولانی شدن مدت محاصره، جوادخان زیاداوغلی تن به خواسته آنها داد و متعهد گردید هر سال ده هزار تومان باج به خان قراباغ و پانزده هزار تومان هم به والی گرجستان بپردازد (Mustafazadə, 2010: 169).

همچنین خان گنجه به پرداخت چهل تومان به هر یک از افراد قوای مزدور داغستانی که در محاصره قلعه مشارکت داشتند، متعهد گردید. ضمناً چهارصد نفر از اسرای گرجی که از سوی آقا محمدخان قاجار به نشانه قدرشناسی به او اعطاشده بود را بایستی به اراکلی دوم مسترد می‌کرد (Mustafazadə, 2010: 169).

تبعات همکاری نظامی جوادخان زیاداوغلی و ملک مجلوم با آقا محمدخان قاجار برای آن دو سنگین تمام شد؛ زیرا در فقدان حمایت شاه ایران، ملک مجلوم با مرگ خود تاوان آن را پرداخت و خان گنجه نیز از سر ناچار اظهار اطاعت نموده و پسر و خواهر خود را به رسم زوال^۱ به ابراهیم خان جوانشیر داد (جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۲: ۳۸؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۸۶؛ رافعی، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۹؛ Xəzani, 2006: 154). ملک مجلوم متحد جوادخان زیاداوغلی به وعده‌های آقا محمدخان دل‌خوش بود، ولی ابراهیم خان جوانشیر و اراکلی دوم گرجی بهتر از او، متوجه موقعیت خود شدند و تا مراجعت دوباره آقا محمدخان قاجار نقشه نابودی آن دو را اجرا کردند (رافعی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

تحولات قفقاز، با ارسال نامه‌هایی از سوی جوادخان و خوانین آذربایجان به آگاهی آقا محمدخان رسید و او بدون آنکه اوضاع خراسان را سامان بدهد، به تهران بازگشت (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۹؛ رافعی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). آقا محمدخان علی‌رغم دریافت خبر بازگشت قوای روسی از منطقه قفقاز در سال ۱۲۱۱ ه. ق.

۱۷۹۷ م. مجدداً برای سروسامان دادن این ناحیه پرتنش به آن‌سو لشکرکشی کرد (هدایت، ۱۳۸۰: ۹/ ۷۲۱۱). ابراهیم‌خان، شوشی را رها کرده به جار و بالاکن^۱ پناهنده شد و جوادخان زیاداوغلی و حسینقلی‌خان باکویی به حضور شاه رسیدند و ملازم رکاب او شدند (ساروی، ۱۳۷۱، ۲۷۲؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۶۹؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۵۲؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۸۷). جوادخان زیاداوغلی در یک خوش خدمتی دیگر، بعد از تسخیر قلعه شوشی، ملا پناه واقف وزیر و مشاور ابراهیم خلیل خان جوانشیر را که به کوه‌های گنجه فرار کرده بود، دستگیر کرده و به‌عنوان تحفه نزد آقا محمدخان قاجار آورد و او نیز فرمان قتل او را صادر کرد (Xəzani, 2006: 163,164). لیکن آقا محمدخان قاجار به‌تندی از خان گنجه استقبال کرد و وی را به‌خاطر دادن کلید دروازه‌های شهر گنجه به روس‌ها در سال ۱۲۱۰ ه. ق/ ۱۷۹۶ م. به خیانت متهم و تهدید به اعدام کرد (Mustafazadə, 2010: 173). به گزارش باکیخانوف، «جوادخان گنجه‌ای و حسینقلی‌خان باکویی نیز وارد حضور و مورد معاتبات گشته هنوز آخر کار هر سه نفر نامعلوم بود» (باکیخانوف، ۱۹۷۰: ۱۸۰). هرچند که در سحرگاه ۲۱ ذی الحجه ۱۲۱۲ سه تن از ملازمان آقا محمدخان او را در چادرش در پای قلعه شوشی کشتند (باکیخانوف، ۱۹۷۰: ۱۸۰؛ قاجار، ۱۳۸۹: ۹۳؛ جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

۵. زمینه‌های مداخله روس‌ها در گنجه و مواضع جوادخان زیاداوغلی

با مرگ آقا محمدخان در شوشی، اراکلی‌خان والی گرجستان از روس‌ها درخواست کرد که با استفاده از ارتش روسیه، زمینه الحاق ایروان و گنجه را بر قلمرو گرجستان عملی سازد. والی گرجستان، همواره گنجه و ایروان را بخشی از قلمرو خود تلقی می‌کرد. بر طبق مفاد قرارداد گئورگی‌وسک روس‌ها موظف به مساعدت سیاسی-نظامی به گرجی‌ها در این باره بودند (Qarayev, 2010: 55)؛ لیکن اراکلی‌خان، هیچ‌گاه فرصت تحقق این آرزو را به‌دست نیاورد؛ چراکه

۱. ناحیه جار و بالاکن در مجاورت داغستان قرار داشت و اقوام داغستانی حاکمیت آن را در قالب نظام اداری موسوم به جماعت در اختیار داشتند. این ناحیه علاوه بر داغستان با پادشاهی کارتلی - کاختی، سلطان نشین قزاق و ایلی سو و خان نشین گنجه سرحد مشترک داشت (Məmmədova, 2019: 125).

در سال ۱۲۱۱ ه. ق. / ۱۷۹۷ م. وفات کرد و فرزند ارشدش گئورگی به جای او جلوس نمود (Gvosdev, 2000: 76-77). اما، دیگر فرزندان ذکور اراکلی خان از جمله الکساندر میرزا، به مخالفت با حاکمیت گئورگی برخاستند. گئورگی که با مشکلات داخلی و خارجی متعددی مواجه بود برای فائق آمدن به این مشکلات پای روس‌ها را به امور داخلی گرجستان باز کرد. روس‌ها به فرماندهی ژنرال لازارف^۱ توانستند شورش برادران گئورگی را سرکوب کنند و قوای لزگی را که همواره تفلیس و گرجستان را آماج تاخت و تاز خود قرار می‌دادند، شکست دهند (قرباغی، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۸).

با مرگ گئورگی در سال ۱۲۱۴ ه. ق. / ۱۸۰۰ م، پل اول (۱۷۹۶-۱۸۰۱ م)، امپراتور روسیه، بیانیه مهم الحاق گرجستان شرقی به قلمرو روسیه را امضا کرد (Baddley, 1908: 61). سپس تزار الکساندر اول که به سال ۱۲۱۵ ه. ق. / ۱۸۰۱ م. جانشین پل شد، بیانیه الحاق گرجستان شرقی به روسیه را تأیید و صادر کرد (آبادیان، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۲؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

در آن برهه فرماندهی قوای روسی در قفقاز جنوبی در گرجستان با ژنرال کنورینگ^۲ بود. کنورینگ با ارسال مکاتبه‌ای از مداخله جوادخان زیاداوغلی در محال شمس‌الدین‌لو و غارت طایفه آیروملو اعتراض کرد؛ اما خان گنجه در پاسخ ژنرال روس، محال شمس‌الدین‌لو و طایفه آیروملو را از رعایای قدیمی خاندان زیاداوغلی قاجار دانست (AKAK, 1866: VI/ 610).

بدین‌گونه، مجادله جوادخان زیاداوغلی با ژنرال کنورینگ، بر سر محال شمس‌الدین‌لو و طایفه آیروملو گنجه تداوم داشت. لازم به ذکر است که مسئله کوچ ایلات و یا مهاجرت اجباری آنان، از جمله عوامل رایج اختلاف و جنگ میان حکام محلی قفقاز بود. برخورداری بیشتر از نیروی انسانی کوچ‌رو که بازویی قدرتمند در میدان جنگ بودند، به معنای قدرت فراتر حکام محلی محسوب می‌شد. از این‌رو، جذب و تصاحب این نیروها همواره موردنظر خوانین قفقاز نیز بود (مرشدلو، ۱۳۹۱: ۴۷).

1. Lazarov

2. Knorring

سیاست توسعه‌طلبی روس‌ها با حکمرانی تزار الکساندر اول و انتصاب ژنرال سیسیانوف به فرماندهی قفقاز جنوبی در تفلیس شکل عملی به خود گرفت. روس‌ها پس از ادغام گرجستان شرقی و غربی به قلمرو خودشان، به‌نوعی سرزمین باستانی نظام پادشاهی ایبریا را پس از چهارصد سال، احیا و یکپارچه کردند (Baddley, 1908: 66). شعار اتصال دریا به دریا [دریای سیاه به دریای مازندران] با الحاق گرجستان شرقی (کارتیل-کاختی) و گرجستان غربی (ایمرتی)، توسط روس‌ها به تدریج رنگ واقعی به خود می‌گرفت. ژنرال سیسیانوف، از سوی تزار روسیه مأمور گردید که قسمت شرقی این طرح یعنی اشغال بندر باکو و رساندن مرزهای روسیه به رودهای کر و ارس را اجرایی کند (Baddley, 1908: 67)؛ بنابراین، برای اجرایی کردن این طرح، سیسیانوف، سیاست تجاوزکارانه‌ای را به ضرر منافع حکومت قاجار و خوانین قفقاز شروع کرد (Baddley, 1908: 67). از نظر روس‌ها، برای امنیت گرجستان ضرورت داشت که مرزهای جدید ایران و روسیه رود کر یا ارس باشد (تیموری، ۱۳۹۲: ۱۸۹/۱). از این‌رو، تسخیر قلمرو خان‌نشین‌های واقع مابین گرجستان و رودهای کر و ارس و بندر باکو از سوی روس‌ها اجتناب‌ناپذیر بود. در گام نخست این سیاست، خان‌نشین گنجه می‌بایست اشغال می‌شد. بدین‌گونه، مناسبات ایران قاجاریه و روسیه تزاری با جلوس الکساندر اول در سال ۱۲۱۵ ه. ق. ۱۸۰۱ م. به تیرگی گرایید. تزار جدید پس از الحاق گرجستان به روسیه و لغو نظام پادشاهی گرجستان، افراد خاندان باگراتونی را به روسیه تبعید کرد (آبادیان، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۲؛ مهدوی، ۱۳۸۳: ۲۰۷). روس‌ها، برای سروسامان دادن به اوضاع منطقه قفقاز جنوبی، ژنرال سیسیانوف را به فرمانداری گرجستان انتخاب کردند و همچنین او را بازرس خط مرزی قفقاز قرار دادند (Baddley, 1908: 60). سیسیانوف، «سرداری صاحب عزم و غیور و مغرور و به‌شدت طیش‌معروف و به جلادت و بی‌پروایی موصوف» بود (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۸۰). او با «سپاهی گران از سالدات و سواره قزاق و توپخانه و قورخانه به صوب تفلیس روانه» شد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶۳/۱). سیسیانوف، در دو سال نخست حضور خود در گرجستان بیشتر گرفتار مسئله مواجهه با خاندان سلطنتی و تحکیم پایگاه

خود در تفلیس بود (قرباغی، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۲۰۳).

بنابراین، او مجری دور جدید از تهاجمات تجاوزکارانه نظامی روس‌ها در منطقه شد و با اقداماتش نخستین جنگ ایران و روس را در منطقه قفقاز رقم زد. «او، بعد از وضع قوانین سیاسی ابتدایی، بر خریطه شمایل قفقاز نظر افکند و فعالیت نظامی را در سه مسیر ضروری دید؛ گنجه، ایروان و باکو» (فنا، ۱۳۹۵: ۵۱). سیسیانوف برای تحت تابعیت درآوردن خوانین قفقاز خصوصاً خان گنجه، مشی خشونت را چاشنی کار خود قرار داد. او، حتی در مکاتبه خود با تزار الکساندر اول آورده بود که تنها سیاست ترس و وعده و وعید است که می‌تواند در قلمرو خوانین تأثیرگذار باشد و تبعیت و فرمان‌برداری داوطلبانه آنان از روسیه انتظاری بیهوده است (Baddley, 1908: 65).

زمینه‌های اختلاف بین حاکمان باگراتونی گرجی و خوانین زیاداوغلی قاجار گنجه همواره بر سر تصرف محال شمس‌الدین‌لو، قزاق و ایلات مرزی بود. جوادخان زیاداوغلی، همواره در نظر داشت تا یکبار دیگر نواحی مذکور را تحت فرمان‌برداری خود درآورد. وی در لشکرکشی قوای ایران به تفلیس از سوی آقا محمدخان، نقش محرک و راهنما را برعهده داشت (Xəzani, 2006: 152) و پس از آن، توانست هرچند به‌طور موقت به این اهداف خود یعنی بازگرداندن دوباره نواحی شمس‌الدین‌لو، قزاق و بورچالی نائل شود؛ چراکه آقا محمدخان، اختیار و اداره نواحی مذکور را به او محول کرد (AKAK, 1866: VI/ 607)؛ اما با بازگشت آقا محمدخان به‌طرف تهران، جوادخان زیاداوغلی نه‌تنها دستاوردهای حاصل از تسخیر تفلیس را از دست داد؛ بلکه قلمروی وی دستخوش تاخت‌وتاز و تاراج قوای مشترک والی گرجستان و خان قرباغ قرار گرفت (قرباغی، ۱۳۹۰: ۱۸۶). همچنین حضور قوای روس در گرجستان مانع دیگر خان گنجه در دسترسی به نواحی مذکور گردید. روس‌ها، نه‌تنها ادعای ارضی خاندان گنجه بر آن نواحی را رد کردند؛ بلکه خود گنجه و حوالی آن را بخشی از قلمرو تاریخی گرجستان تلقی کردند (Baddley, 1908: 67).

ژنرال سیسیانوف مشی مدارای ژنرال کنورینگ در برخورد با حکام و خوانین محلی، خصوصاً خان‌نشین گنجه را کنار گذاشت و با سیاست مشت

آهنین برای مستملک‌سازی قفقاز جنوبی، نه تنها ادعای خان گنجه را به کلی رد کرد؛ بلکه ادعا کرد که گنجه در عهد ملکه تامارا^۱ متعلق به گرجستان بوده و به سبب ضعف حاکمان گرجستان اختیار آن برای مدت طولانی از دست رفته بود (Baddley, 1908: 67; AKAK, 1868: VII/ 586). البته این ادعا واقعیت نداشت زیرا گنجه یک شهر مسلمان‌نشین بود و در اغلب ادوار تاریخ حکام مسلمان بر آن تسلط داشتند.

روس‌ها و علی‌الخصوص شخص سیسیانوف، جوادخان زیاداوغلی را از دشمنان درجه یک روسیه در قفقاز می‌دانستند؛ زیرا ژنرال سیسیانوف، او را به سبب همراهی با قوای آقا محمدخان در تسخیر و غارت تفلیس و پناه دادن به الکساندر میرزا و دیگر اعضای خاندان سلطنتی گرجستان در قلمرو گنجه که مخالف حضور روس‌ها در تفلیس بودند، متهم می‌کرد. همچنین وی جوادخان را به سبب ناامن کردن راه‌های تجاری و غارت اموال کاروان‌های تجاری محکوم می‌نمود (AKAK, 1868: VII /586).

ازاین‌رو، سردار روس از جوادخان به نشانه اطاعت و فرمان‌برداری تسلیم کلیدهای قلعه گنجه و به گروگان فرستادن پسر ارشدش را مطالبه نمود (جوانشیر قره‌باغی، ۱۳۸۲: ۱۲۰؛ رضاقلی بیگ، ۱۳۸۴: ۲۶۸۲؛ Umud oğlu, 2004).

میرزا آدی‌گوزل بیگ از تاریخ‌نگاران محلی قراباغ نیز از شیوه آمرانه سیسیانوف در برخورد با جوادخان زیاداوغلی چنین یاد کرده است: «سیسیانوف پس از رسیدگی به امور داخلی گرجستان و جار و تله، کاغذی به جوادخان گنجه‌ای نوشت و تکلیف کرد که به اطاعت دولت روسیه درآید و تابع حکم مأموران عالی‌رتبه دولت شود، خصومت نرزد و به عرصه شورش قدم نگذارد و اطاعت نماید. والله از باغچه مأموران دولت قدیم و سلطنت باشکوه به‌غیر از

۱. از سلطنت ملکه تامارا (۱۱۶۰ - ۱۲۱۳)، در تاریخ قرون میانه گرجستان به عنوان عصر طلایی یاد می‌شود. وی با استفاده از نتایج اقدامات داوید چهارم و با تکیه بر نخبگان قدرتمند نظامی، در یکپارچه کردن قدرت سیاسی در گرجستان از پیشینیان خود موفق‌تر بود و توانست یک حکومت قدرتمند در قفقاز تشکیل دهد که تا فروپاشی آن زیر حملات مغولان نزدیک به دو دهه دوام بیآورد. در این دوران شوتاروستاوی (Shota Rustaveli) منظومه حماسی معروفش به نام پلنگینه پوش را نوشت (صدقی و عزیززاد، ۱۳۹۲: ۹۵؛ کوتن، ۱۴۹۲: ۹۱).

ثمره ضرر نمی‌توان گلی بچیند و تخم عداوت به‌غیر از پشیمانی بار دیگری ندارد. جوادخان به این نصایح مشفقانه اهمیتی نداد و به حرف‌های او گوش نسپرد» (Mirzə Adıgözəl bəy, 1989: 76-77). میرزا یوسف قراباغی از دیگر تاریخ‌نگاران محلی قراباغی نیز همان عبارات میرزا آدی‌گوزل بیگ را در برخورد سردار روسی با خان گنجه را نقل کرده است (قرباغی، ۱۳۹۰: ۲۰۱). ژنرال سیسیانوف در کنار تهدیدات فوق، وعده و وعیدهای زیادی هم به جوادخان ارائه نمود: «به‌موجب شرایط فوق تمام املاک ایالت گنجه ارثاً در تحت تصرف خانواده جوادخان در می‌آمد و جوادخان و نسل او ارثاً خان مستقل گنجه ایالت گنجه باقی می‌ماندند و در عوض از تحت حمایت ایران خارج و تحت حمایت امپراتور روس قرار می‌گرفتند و سالیانه بیست هزار منات (روبله) به خزانه امپراتوری می‌بایست بپردازند معذالک جوادخان تمام این شرایط را رد نمود» (زیادخان اوف، ۱۳۸۱: ۲۱).

جوادخان زیاداوغلی در نامه‌ای نه‌تنها تمام ادعاهای سیسیانوف در زمینه باج‌گزاری گنجه به تفلیس و روسیه را رد کرد؛ بلکه مدعی حکومت اجداد خویش بر گرجستان نیز شد. همچنین اظهار اطاعت و تبعیت موقتش از ژنرال زویف در سال ۱۲۱۱ ه. ق. / ۱۷۹۶ م. را به‌خاطر غیبت آقا محمدخان از منطقه قفقاز و حضور او در خراسان اعلام کرد (AKAK, 1868: VII/ 589). بدین ترتیب، ژنرال سیسیانوف در اولین گام به‌تلافی غارت تفلیس و تار و مار دودمان باکراتونی، به‌سوی گنجه لشکرکشی نمود تا با تسخیر گنجه هم به حیات سیاسی خان‌نشین گنجه خاتمه دهد و هم متحد ایران در مرز گرجستان را حذف نماید (فنا، ۱۳۹۵: ۵۲).

در ۱۹ رمضان ۱۲۱۸ ه. ق. / ۲ ژانویه ۱۸۰۴ م. سیسیانوف با همراهی «جماعت تاواد و آزناور^۱ و سواره قزاق شمس‌الدین‌لو و با کشون روسیه به تسخیر گنجه و تنبیه جوادخان مصمم» گشت (MirzəAdıgözəl bəy, 1989: 76-77). جوادخان نیز به مشورت با «اعیان و اشراف و بزرگان» روی آورده

۱. تاواد (Tavad) و آزناور (Aznaur) نام دو ناحیه در گرجستان است.

«همگی اعیان او از آخوند و سادات در معارضه و معادات با او متفق گردیده گفتند قشون روسیه را چه قوه و یارای آن تواند بود که قلعه گنجه را بازور مسخر تواند کرد. حال آنکه نادرشاه با آن رشادت و توانایی از تسخیر گنجه عاجز آمده» (قرباغی، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

جوادخان زیاداوغلی با دریافت خبر لشکرکشی روس‌ها به‌طرف گنجه با ارسال چاباری مراتب را به دستگاه حاکمه ایران برای دریافت کمک ابلاغ کرد (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۰؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۹۱؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶۴/۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۶۷/۳). در آستانه پیشروی سیسیانوف به گنجه، فتحعلی‌شاه قاجار که در خراسان حضور داشت و مشغول رتق‌و‌فتق امور ایالت خراسان و سرکوب بازماندگان دودمان افشار در آن نواحی بود، در مقابل درخواست کمک نظامی خان گنجه، سعیدخان دامغانی غلام پیشخدمت خاصه را چاپاروار مأمور گنجه کرد تا خبر گسیل قوای امدادی به یاری او را ابلاغ نماید (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۵۷/۱؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۹۱). شاه ایران در برابر استمداد خان گنجه، فرامینی به حکام و خوانین آذربایجان مبنی بر کمک فوری با جوادخان گنجه‌ای صادر کرد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۵۷/۱؛ اما پیش از آنکه قشون آذربایجان برسد، سیسیانوف قلعه را محاصره نمود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶۴/۱؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۹۱). اولین برخورد نظامی جوادخان زیاداوغلی با قوای روس در بیرون از قلعه گنجه در منطقه به نام قورو-قوبود^۱، واقع در حوالی گنجه روی داد. وی علی‌رغم تلاش فراوان، تاب مقاومت در برابر روس‌ها را نیاورد و شکست خورد و به‌ناچار از درون قلعه به دفاع پرداخت (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۲۸/۹-۷۵۲۹؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۹۱؛ قرباغی، ۱۳۹۱: ۲۰۱-۲۰۲؛ Xəzani, 2006: 127). سرانجام در سال ۱۲۱۸ ه. ق. / ۱۸۰۴ م. در روز عید فطر قشون روس وارد قلعه شدند و جوادخان به‌همراه پسر بزرگش حسینقلی‌خان در ردیف اول مدافعین به قتل رسیدند (زیادخان اوف، ۱۳۸۱: ۲۲؛ وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۱).

اشغال گنجه، از سوی روس‌ها در سال ۱۲۱۸ ه. ق. / ۱۸۰۴ م. به حکمرانی

1. Quru-qobud

خاندان زیاداوغلی قاجار خاتمه داد. این اقدام ژنرال سیسیانوف در تسخیر گنجه، نخستین جنگ ایران قاجاریه و روسیه تزاری را در منطقه قفقاز جنوبی رقم زد. فتحعلی‌شاه در جواب استمداد جوادخان زیاداوغلی برای جلوگیری از تجاوزات سیسیانوف عباس‌میرزا را در رأس فرماندهی قشونی به‌سوی آذربایجان روانه نمود (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶۴/۱؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۸۲؛ خجسته قمری، ۱۴۰۰: ۶۲).

منابع تاریخ‌نگاری دوره قاجار، خیانت نصیب بیگ شمس‌الدین‌لو از زیردستان خان گنجه و ارامنه گنجه را علت تسخیر قلعه گنجه و کشته شدن جوادخان زیاداوغلی به‌همراه پسر ارشدش حسینقلی آقا ذکر کرده‌اند؛ زیرا آنان در بحبوحه جنگ از صف خان گنجه جدا شده و به سپاه روس پیوستند (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۰-۸۱؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۲۸/۹-۷۵۲۹؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۹۱؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶۴/۱؛ رضاقلی بیگ، ۱۳۸۴: ۸۲؛ Köçerli, 2005: 232).

قوای روسی پس از تسخیر گنجه سه روز دست به کشتار زدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۴۶۹/۳). به‌دنبال اشغال قلعه گنجه، ژنرال سیسیانوف برای تحکیم موقعیت قوای روسی، حصار قلعه را از مسلمانان خالی کرد و به‌جای آن قشون و ارامنه را جای‌گیر ساخت (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۲۸/۹-۷۵۲۹؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶۴/۱). همچنین سیسیانوف به امورات و کارهای ولایت، نظام و تمشیت داد و در آنجا فرمانده نظامی تعیین کرد و اسم گنجه را به نام ملکه «الیزابت پل» [یلی‌ساویط پول] موسوم ساخت (قرباغی، ۱۳۹۱: ۲۰۲؛ باکیخانوف، ۱۹۷۰: ۱۸۵-۱۸۶). سالدات روسی که در این پیروزی بزرگ شرکت کرده بودند مدال شجاعت گرفتند.

برخورد شدید و خشونت‌بار ژنرال سیسیانوف در اشغال گنجه، زنگ خطر را برای سایر خوانین به صدا درآورد. پس از تصرف گنجه، سیسیانوف به‌غایت مغرور گشت و نامه‌های مسالمت‌آمیز به خوانین قراباغ و ایروان ارسال کرد و خوانین محلی نیز بدون ملاحظه رفتار آنان با اهالی و دودمان گرجستان به‌دلیل آنکه از پیشامد قتل جوادخان حاکم گنجه واهمه داشتند، پاسخ موافق به

سیسیانوف دادند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/۱۶۴؛ وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۶۹: ۸۱).

با سقوط خان‌نشین گنجه، شمار قابل‌توجهی از حکام و مدعیان قدرت شکست‌خورده قفقاز، با توجه به اینکه قدرت و قلمرو خود را در آخرین مرحله در برابر سلطه‌طلبی روس‌ها ازدست‌داده و یا در خطر جدی می‌دیدند، از سر ناچاری برای جلب نظر و حمایت دولت قاجار و استفاده از قوای آنان علیه روس‌ها و خوانین رقیب، روانه تهران شدند و از دولت قاجار طلب یاری کردند (صدقی، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۵۲). کشته شدن جوادخان زیاداوغلی به‌دست نیروهای روسی اگرچه به فرمانروایی خاندان زیاداوغلی در گنجه پایان داد، اما این خاندان به‌ویژه فرزندان جوادخان همچنان در معادلات سیاسی قفقاز تأثیرگذار بودند. چنانکه پس از نبرد گنجه، فرزندان جوادخان به دو گروه تقسیم شدند، عده‌ای از آنها توسط نیروهای روسی دستگیر و به روسیه تبعید شدند و برخی نیز به ایران پناه آوردند که از جمله آنها می‌توان به اوغورلوخان، خانلار خان و علی‌آقا اشاره کرد (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶: ۱۸؛ طالع، ۱۳۸۷: ۸۵).

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در تأیید فرضیه مطرح‌شده نشان داد که رقابت خاندان‌های زیاداوغلی و باگراتونی نقش مهمی بر روند استیلای روسیه تزاری بر قلعه شهر گنجه و سقوط خان‌نشین گنجه داشت. خاندان زیاداوغلی قاجار حاکم بر گنجه و دودمان باگراتونی تفلیس، اختلافات ریشه‌دار ارضی و دیرینه‌ای از دوره صفویه داشتند؛ این اختلافات در دوره حکمرانی جوادخان زیاداوغلی قاجار با دخالت‌های حکومت روسیه تزاری به نفع گرجی‌ها و حمایت حکومت قاجار از جوادخان به اوج رسید. روس‌ها، از اختلافات و منازعات خوانین قفقاز بهره‌برده و به‌مرور بر مقدرات گرجستان حاکم شدند. سردار روسی سیسیانوف با برقراری روابط تحکم‌آمیز با جوادخان، حاکم گنجه سعی کرد به شیوه آمرانه و یادآوری پیشینه حاکمیت گرجی‌ها بر گنجه، آنها را بدون برخورد نظامی به‌دست گیرد؛ اما جوادخان ضمن رد دعاوی مشترک روس‌ها و

گرچی‌ها و با دلگرمی به حمایت‌های دولت قاجار در برابر خواسته آنان مقاومت کرد. لهذا سیسیانوف، برای ایجاد رعب و ترس در دل دیگر حکام و امرای مسلمان منطقه، در اشغال گنجه به شیوه خشونت‌آمیز برخورد کرد. روس‌ها متعاقب تسخیر گنجه، آنجا را برای پیشبرد مقاصد توسعه‌طلبی ارضی به‌عنوان مقر فرماندهی نظامی خود برای مقابله با قوای ایران تبدیل کردند. با سقوط گنجه و کشته شدن جوادخان، دوران حاکمیت دودمان زیاداوغلی در این ناحیه برای همیشه به پایان رسید.

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۸۰). *روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روسیه*. تهران: وزارت امور خارجه.
- آقازاده، جعفر (۱۳۹۶). احیای مرزهای تاریخی ایران در دوره آقا محمدخان قاجار. *مطالعات تاریخ انتظامی*. ۴ (۱۵). ۶۷-۸۴.
- اتکین، موریل (۱۳۸۲). *روابط ایران و روس*. ترجمه محسن خادم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- احمدی، حسین (۱۳۸۴). *سه رساله درباره قفقاز*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰). *اکسیرالتواریخ*. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: ویسمن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری* (ج ۳). تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- باکیخانوف، عباسقلی آقا (۱۹۷۰). *گلستان ارم*. تصحیح حمید نطقی. باکو: علم.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۶). «فرزندان و بازماندگان جوادخان گنجه‌ای»، *همایش ملی جوادخان گنجه‌ای مرزدار ایرانی قفقاز*، ۲۵ آذر.
- پورصفر، علی (۱۳۷۷). *حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۹۲). *تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار* (ج ۱). تهران: سخن.
- جوانشیر قره‌باغی (۱۳۸۲). *تاریخ قره‌باغ*. تصحیح حسین احمدی. تهران: وزارت امور خارجه.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین* (ج ۱). تصحیح ناصر افشار. تهران: سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

خجسته قمری، محمدامین (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر ساختار و نقش امنیتی استحکامات دفاعی-امنیتی آذربایجان (دوران عباس میرزا نایب‌السلطنه؛ ۱۱۷۷ تا ۱۲۱۲ ه. ق.). *مطالعات تاریخ انتظامی*. ۸ (۳۱): ۵۳-۸۴.

دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)*. تصحیح غلامحسین زرگری نژاد. تهران: روزنامه ایران.

رافعی (هاکوپ ملک هاکوپیان) (۱۳۸۵). *ملوک خمسه*. ترجمه آرا دراستپانیان. تهران: پردیس دانش.

رضاقلی بیگ (۱۳۸۴). *حکومت پناه خان و ابراهیم خان در ولایت قره‌باغ (سه رساله درباره قفقاز)*. تصحیح حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

زیادخان اوف، عادل خان (۱۳۸۱). *طیران قلم*. تهران: وزارت امور خارجه.

ساروی، محمدفتح‌الله بن محمدتقی (۱۳۷۱). *تاریخ محمدی (احسن التواریخ)*. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: امیرکبیر.

صدقی، ناصر (۱۳۸۹-۱۳۹۰). تأملی بر مواضع خان‌نشین‌های مسلمان قفقاز در برابر توسعه‌طلبی‌های روسیه تزاری. *فصلنامه تحقیقی مطالعاتی مؤسسه فرهنگی آران*. ۹ (۲۶-۲۷): ۴۸-۶۴.

صدقی، ناصر، محمد عزیزنژاد (۱۳۹۲). تحولات داخلی گرجستان و حمله گرجیان به آذربایجان در عصر دوم سلجوقی (۶۲۲-۵۱۵ ه. ق.). *تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*. ۲۳ (۲۰): ۸۷-۱۰۷.

طالع، هوشنگ (۱۳۸۷). *تاریخ تجزیه ایران؛ دفتر چهارم: تجزیه قفقاز*. رشت: سمرقند.

عزیزنژاد، محمد (۱۳۹۵). *مناسبات خان‌های ایروان با حکومت‌های ایران، عثمانی، روسیه و گرجستان از پایان دولت نادرشاه افشار تا عهدنامه ترکمانچای (۱۱۶۰-۱۲۴۳ ه. ق./۱۷۴۷-۱۸۲۸ م.)*. رساله دکتری دانشگاه تبریز. به راهنمایی رضا دهقانی. دانشگاه تبریز. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

فنا، میرزا رحیم (۱۳۹۵). *تاریخ جدید قراباغ*. ترجمه سجاد حسینی. تبریز: انتشارات اختر.

قاجار، محمود میرزا (۱۳۸۹). *تاریخ صاحبقرانی*. به کوشش نادره جلالی. تهران: مجلس شورای اسلامی.

قرباغی، میرزا یوسف (۱۳۹۰). *تاریخ صافی*. تصحیح حسین احمدی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

کوئن، فردریک (۱۴۰۲). *درآمدی بر قفقاز*. ترجمه: احسان شاه حسینی و مسلم عارفی. فرد. تهران: دیپاچه.

گوگچه، جمال (۱۳۷۳). *قفقاز و سیاست‌های امپراتوری عثمانی*. ترجمه وهاب ولی. تهران: مؤسسه چاپ و وزارت امور خارجه.

لنجانی اصفهانی، محمدحسن بن محمدرحیم (۱۳۹۱). *جنه‌الخبار*. تصحیح میر هاشم محدث. تهران: مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

مرشدلو، جواد (۱۳۹۱). *خان‌نشین‌های قفقاز شرقی: ساختار سیاسی و تغییرات دوره روسی‌سازی*. رساله دکتری. به راهنمایی منصور صفت گل. دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مرشدلو، جواد (۱۳۹۴). *زمینه‌های تاریخی و منطق راهبردی توسعه‌طلبی روسیه تزاری در قفقاز (سال‌های ۱۸۰۰-۱۵۵۰ م.)*. *تاریخ روابط خارجی*. ۱۶ (۶۴). ۴۵-۷۱.

میرزا رشید (۱۳۴۵). *تاریخ افشار*. تصحیح پرویز شهریار افشار و محمود رامیان. تبریز: چاپخانه شفق.

وقایع‌نگار مروزی، میرزا محمدصادق (۱۳۶۹). *آهنگ سروش (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)*. گردآورنده حسین آذر. تصحیح امیر هوشنگ آذر. تهران: چاپخانه حیدری.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). *روضه‌الصفای ناصری (ج ۹)*. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: خیام.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۳). *تاریخ روابط خارجی ایران*. تهران: امیرکبیر.

Akak (1866). VI. Doc. 824, 610, 817, 607.

Akak (1868). VII. Doc. 1173, 589, 1166, 586.

Akopyan, Alexander (Autumn 2008). Ganja Coins of Georgian Types, AH 1200-1205. *Journal of the Oriental Numismatic Society*. V.47-51.

Azərbaycanın Tarixi (1999). III Cild. Bakı: Elm.

Babayev, Elgün (2003). *iz Istorii Gyandzhinskogo Khanstva*. Bakı: Nulan.

Baddley, Johan. F (1908). *The Russian conquest of the Caucasus*. London: Longmans, Green and CO.

Gvosdev, Nikolas (2000). *Imperial Policies and Perspectives Towards Georgia, 1760–1819*. London: Macmillan Press LTD.

Köçərli, Firidun bəy (2005). *Azərbaycan Ədəbiyyatı* (c1).Ba k1: Avrasiya press.

Məmmədova, Elmira (2019). Şəmsəddil sultanlığının izibati- ərazi bölgüsü. *Tarix, insan və cəmiyyət*, ş. 4(29). 124-130.

Mirzə Adıgözəl bəy. (1989) “*Qarabağnamə*”. Qarabağnamələr. I kitab, Tərtibci: Akif Fərzəliyev və N.Axundov. Bakı.

Mustafazadə, Tofiq (2010). *Qarabag Xanligi*. Bakı: Sabah.

Qarayev, Elçin (2010). *İrəvan xanlığı*. Bakı: Avropa nəşriyyatı.

Umud oğlu, Vidadi (2004). *Şimali Azərbaycanın çar Rusiyası tərəfindən işğalı və müstəmləkəçilik əleyhinə mübarizə (1801-1828)*. Bakı:Elm.

Xəzani, Mir Mehdi (2006). *Kitabi-tarixi-Qarabağ*. müqəddimə və şərhlər. transliterasiya: A. Fərzəliyev və A. Ramazanov. Qarabağnamə. c2. Bakı: şərq-qərb.